

26 words per day

Day 17

Word	Meaning
A rtificial	ساختگی، مصنوعی، بدلی
B and	باند، اتحاد، بند و زنجیر، متحد کردن
C apture	دستگیری، تسخیر، گرفتن، اسیر کردن
D ecision	عزم، تصمیم، حکم دادگاه
E lement	عنصر، اساس، جزء
F eature	خصیصه، چهره، نمایان کردن
G enerate	تولید کردن، زادن، حاصل کردن
H appen	رخ دادن، پیشامد کردن
I ncrease	افزایش، رشد، زیاد شدن، افزودن
J eans	شلوار جین، شلوار فاستونی برای کار
K eeper	نگاه داشتن، ادامه دادن
L ake	دریاچه، استخر، برکه
M ajority	اکثریت
N eedle	سوزن، عقربه، سوزن دوزی کردن
O il	روغن، چربی، نفت، روغن زدن
P artner	شریک، همسر، شریک کردن
Q	
R ain	باران، بارندگی، بارش، باریدن
S and	شن، ماسه، ریگ، شن پاشیدن
T errible	وحشتناک، هولناک، مخوف
U nless	مگر، مگر اینکه، جز اینکه
V isible	قابل رویت، نمایان، مری، پدیدار
W age	مزد، دستمزد، اجرت، اجیر کردن
X	
Y	
Z	